

مطالعه تطبیقی اصل حیا در آموزه‌های اسلامی و معماری سنتی

مهرداد آفاشریفیان اصفهانی*

چکیده

هنرمندان و معماران در عرصه‌های مذکور در تعامل و ارتباط شخصی و اجتماعی از دستگاه ارزشی اخلاقی فردی و جمعی گریزی نداشته‌اند. بخشی از آموزه‌های اخلاقی به‌ویژه در حوزه حِرَف و مشاغل سنتی در قالب سوگندنامه، عهدنامه‌ها و فتوت‌نامه‌های حرفه‌ای مورد اشاره قرار گرفته است. این که شاخص‌های این دستگاه ارزشی در سنت پیشینیان چه تفاوت‌ها و شباهت‌هایی با وضعیت معاصر دارد موضوع این پژوهش نیست؛ این پژوهش در پی آن است که هنجارها و ارزش‌های اخلاقی و معنوی به‌ویژه صفت حیا چه نسبتی با آموزه‌های دینی، حرفه‌بنایی و ایجاد بنا و هویت بنا دارد؟ در این پژوهش با بهره‌مندی از روش ترکیبی با مراجعه به بخشی از میراث مکتوب در حوزه معماری سنتی، یعنی فتوت‌نامه بنایان، با روش توصیفی و به مدد تحلیل محتوای این سند، درصدد تبیین و استخراج اخلاق حرفه‌ای معماری و به‌ویژه اصل اخلاقی، عرفانی حیا بوده و دربردارنده این نتیجه است که معماری سنتی، شامل اصول و شاخصه‌هایی چون توحیدمحوری، اقتدا بر پیامبران، توجه به آیات و روایات، استناد متون صنفی به اولیا الهی، کسب و احراز شرایط اولیه پیشه، سلوک معنوی در حرفه، کسب مهارت‌های لازم، آموزش‌های مکمل، رعایت مهارت‌های مدیریتی تربیتی، رعایت ادب شاگردی، رعایت سلسله مراتب شغلی، رعایت اصول بهداشتی و خصوصاً حضور و تجلی صفت حیا است.

واژگان کلیدی

اخلاق حرفه‌ای، حیا، فتوت‌نامه بنایان، معماری سنتی.

m.aghasharifian@aui.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۴/۲۳

* استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه هنر اصفهان.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۱/۲۲

طرح مسئله

معماری اسلامی ایرانی، در همه ابعاد خود با فرهنگ و اخلاق در ارتباط است. از سوی دیگر حاصل تلاش معماران با زندگی مادی و معنوی انسان‌ها عجین شده و اندیشه و سبک خاصی از زیستن را به دنبال دارد. عدم رعایت باورها و بایسته‌های فردی و اجتماعی وضعیت‌های نامطلوبی را به وجود می‌آورد که در همه زمان‌ها موجب بروز مشکلات خرد و کلانی در عرصه معماری و گسیختگی معماری و فرهنگ می‌شود.

این مقاله با محوریت فتوت‌نامه بنایان به عنوان بخشی از میراث مکتوب در حوزه معماری سنتی، با این فرضیه مواجه است که «معماری سنتی و مکتوبات صنفی در بردارنده گونه‌ای اخلاق حرفه‌ای اسلامی ایرانی و خصوصاً حضور صفت حیا است.» هدف آن نیز تلاش برای تبیین و استخراج برخی اصول اخلاق حرفه‌ای معماری، به‌ویژه تبیین صفت حیا است.

روش تحقیق

در مقاله پیش رو، با هدف دستیابی به برخی اصول اخلاق حرفه‌ای معماری سنتی به‌ویژه حیا در آیینه متون دینی و تاریخی، به توصیف فتوت‌نامه‌های صنفی خصوصاً فتوت‌نامه بنایان پرداخته شده؛ سپس به بیان ارزش‌های اخلاق حرفه‌ای و در آخر براساس نظریه «خوانش و تطبیق متون صنفی تاریخی با کدهای اخلاق حرفه‌ای» به تحلیل محتوا و نشانگذاری متن فتوت‌نامه بنایان پرداخته شده و در پیکره اصول اخلاق حرفه‌ای معماری در فتوت‌نامه بنایان، سیزده اصل و ارزش حرفه‌ای ارائه شده است و پس از آن با تمرکز بر اصل حیا، این صفت در معماری سنتی بررسی شده است. در مجموع، پژوهش حاضر، به‌عنوان یک تحقیق کیفی و میان‌رشته‌ای با کاوش منابع کتابخانه‌ای، ماهیتی تحلیلی، توصیفی دارد و متکی بر استنباط و مقایسه است.

پیشینه تحقیق

در سال‌های اخیر، مطالعاتی چند درباره ریشه‌ها، منابع و اصول معماری سنتی خصوصاً با نگاه اسلامی ایرانی و همچنین مطالعاتی درباره فرهنگ حیا، حریم و حجاب در معماری سنتی صورت پذیرفته است. آثاری مانند: آیین جوانمردان و طریقت معماران (ندیمی، ۱۳۷۴) روش‌های سنتی در آموزش هنر (شریف‌زاده، ۱۳۷۸) آموزش معماری و تربیت معماران (اسلامی و مندگاری، ۱۳۸۴) ردپای حریم و حجاب در کالبد و روح معماری ایرانی (جلیلی، ۱۳۸۸) تجلیات حکمت معنوی در هنر اسلامی (مددپور، ۱۳۹۰)

بلای جان معماری اسلامی (ارجمندی، ۱۳۹۱) بررسی نقش حجاب و محرمیت در معماری اسلامی و روز ایران (رفعت‌جاه، ۱۳۹۲) اصول چهارده‌گانه اخلاق حرفه‌ای معماری و شهرسازی (امین‌پور و آقاشریفیان، ۱۳۹۲) معماری حجاب، الگوی فرهنگی معماری خانه‌های تاریخی کاشان (بهرامی، ۱۳۹۲) آسیب‌شناسی حریم خانواده در معماری اسلامی ایرانی (حسین‌پور و دیگران، ۱۳۹۵) این تحقیقات بر پایه رویکردهای مختلف نوشته شده است؛ در این مقاله ضمن ارج نهادن به این تلاش‌ها و بهره‌مندی از نتایج پژوهش‌های فوق، سعی شده با رویکردی مسئله‌محور و بهره‌گیری از منابع اصیل و روش تحلیل محتوا به فرضیه بنیادین و پرسش‌های دیگر، پاسخ داده شود.

فتوت اصنافی و فتوت‌نامه بنّایان

میان سده‌های پنجم تا هشتم هجری، شاهد ظهور فتوت^۱ در اصناف و صناعات هستیم. بسیاری از صاحبان مشاغل خود را به شاخه‌ای از فتوت منسوب داشتند؛ رساله‌های اصناف نشان می‌دهد که جوانمردی پیشه‌وران، صیغه زهد و عرفان داشته است و همین نکته است که جوانمردی صنفی را از جوانمردی عیاران و سپاهیان جدا می‌کند. (افشاری، ۱۳۸۴: ۷۱)؛ فتوت‌نامه چیت‌سازان، آهنگران، سلمانیان، سقایان و طبّاخان از جمله این گونه فتوت‌نامه‌های صنفی هستند. (ناظمی، ۱۳۸۹: ۲۴) فتوت‌نامه بنّایان، یکی از مهم‌ترین فتوت‌نامه‌های حرفه‌ای است؛ به احتمال قوی این اثر متعلق به قرن نهم هجری است. و در دو بخش سامان یافته؛ نخست، اصول و کلیاتی به‌طور عمومی و دوم همان اصول به‌صورت پرسش و جواب آمده است. مقولات بخش اول دوازده مورد و عموماً تأکید بر فضائلی

۱. فتوت، معادل جوانمردی است. (دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۶۹۷۴)؛ در قرآن، اصحاب کهف، مصداق فتیان (اهل فتوت) دانسته شده‌اند. (کهف / ۱۳)، احادیث فراوانی درباره فتوت به‌عنوان یکی از فضائل اخلاق وجود دارد. (مانند صدوق، ۱۴۱۳: ۲ / ۲۹۴)؛ در عرفان نظری، «فتوت» فن پنجم از فنون تصوف است. (دامادی، ۱۳۷۳: ۱۵۷)؛ از حیث تاریخی، فتوت، سنت خاصی است که از قرن‌ها پیش، در میان جوامع متمدن، مسلمانان و خصوصاً ایرانیان طرف‌دار داشته است. (محبوب ۲۰۰۰: ۲۹۱) فتوت، در میان شیعیان، با نام اولیا الهی خاصه حضرت علی علیه السلام گره خورده است. مجموعه‌ای از فضایل به‌ویژه بخشش، مروت و شجاعت است که فتیان با این ویژگی‌ها از دیگران ممتاز می‌شدند. جوانمردان، نهادی اجتماعی به وجود آوردند که با شعار بخشندگی، کارسازی و دستگیری از مردم و با آداب خاص این آیین را به کار می‌بستند. آن‌ها به استناد قول «لَا سِیْفَ إِلَّا ذُو الْفَقَارِ لَا فَتَى إِلَّا عَلِيٌّ» (کلینی، ۱۴۲۹: ۱۰ / ۲۷۰) سیره و روش امام علی علیه السلام را الگو و سرمشق خویش ساخته بودند. (فیزایی، ۱۳۸۷: ۱۲۹) سرچشمه این فتوت تاریخی اجتماعی، تعلیم توحیدی و اخلاقی انبیا است. (ناظمی، ۱۳۸۹: ۲۱) مظهر صفت فتوت، فتا یا جوانمرد نامیده می‌شود. ابراهیم خلیل‌الله به عقیده اهل فتوت، اول نقطه دایره فتوت و ابوالفتیان است و سند اهل فتوت به علی ابن ابی طالب علیه السلام منتهی می‌گردد. (کاشفی، ۱۳۵۰: ۱۴۰) فتوت، صرف کردن وجود است یا در اطاعت حق، یا در راحت خلق ... فتوت بر سه قسم است: اول نگاه داشتن فرموده خدای تعالی، دوم نگاه داشتن سنت مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم و سوم صحبت کردن با اهل خدا... و درحقیقت، فتوت آنست که هر چه حق باشد ترک گوید ... بدان که اصل فتوت ایثار است و این طریق جز با ایثار راست نیاید. (خان‌محمدی، ۱۳۷۰: ۱۵)

چون ایثار، تواضع، امن، صدق، وفا از جانب اهل این حرفه است و در قسمت دوم، امور ارشادی این طایفه مطرح گردیده و سخن از پیران و مرشدان رفته که انبیا در رأس و سپس امامان مذهب شیعه قرار دارند. (خانمحمدی، ۱۳۷۰: ۱۰)

اخلاق کاربردی و حرفه‌ای

اخلاق کاربردی زیر مجموعه‌ای از اخلاق هنجاری بوده (شریفی، ۱۳۸۹: ۲۸) و مسائل اخلاقی هر یک از عرصه‌های اختصاصی زندگی مدرن و حل مؤثر معماها یا همان تعارضات اخلاقی را مد نظر قرار می‌دهد. (اسلامی و دیگران، ۱۳۸۷: ۴۹) و هنگامی که از چالش‌ها و معضلات اخلاقی شاغلین در فنون و حرفه‌ها بحث می‌شود اخلاق حرفه‌ای رُخ می‌نماید.^۱ (فرامرزی قراملکی، ۱۳۸۵: ۱۳۷) و هنجارهایی مانند امانتداری، خدمتگزاری، مسئولیت‌پذیری، انضباط کاری، پیگیری، مهرورزی، رفق و مدارا، خوش‌رفتاری، فروتنی، بردباری، دادورزی، نفی خودکامگی (حسینی، ۱۳۹۰: ۸۵) و ارزش‌هایی چون رقابت‌طلبی، صداقت، احترام به دیگران، توجه به ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی، عدالت و انصاف، همدردی، وفاداری. (امیری و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۴۰) به‌عنوان اصول اخلاق حرفه‌ای بیان شده است.

حیا در آموزه‌های اسلامی

اصل حیا در آموزه‌های اسلامی دارای اهمیت فراوان و نقش محوری است، چنان‌که در قرآن، روایات، اخلاق و عرفان مورد توجه قرار گرفته است؛ در ادامه به گستره این صفت در لغت، اصطلاح، قرآن، حدیث و عرفان نظری خواهیم پرداخت.

۱. حیا در لغت و اصطلاح

حیا^۲ را در لغت به معنی شرمساری، خجالت، توبه و حشمت دانسته‌اند. (دهخدا، ۱۳۷۳: مدخل حیا) و در اصطلاح به‌معنای محدودیت، در تنگنا افتادن و شرم داشتن نفس از ارتکاب محرمات شرعی و عقلی و عادی از ترس نکوهش و سرزنش می‌دانند. (ابن فارس، ۱۴۱۱: ۲ / ۱۲۲)؛ اثر این حالت نفسانی، انقباض و احساس ناراحتی روح در مقابل عمل زشت است. (خسروی، ۱۳۸۳: ۱ / ۵۷۳) این تغییر حالت و انکسار،

۱. در تمدن اسلامی ایرانی با مکتوباتی مواجه می‌شویم که دربردارنده آداب معنوی صناعات و فتوت اصنافی است، آثاری نظیر اخلاق حکمرانی، اخلاق دانشوری، فتوت‌نامه‌ها و کتاب‌هایی مانند آداب‌المعلمین، آداب‌المشوق؛ به نظر می‌رسد این سلسله آداب، رسوم و سنت‌ها به‌مثابه اخلاق حرفه‌ای پیشرفته، همه‌جانبه و متعالی است.
۲. کلمات عربی مانند اولیا و حیا، در رسم‌الخط فارسی بدون همزه نوشته می‌شوند. لذا ما در تمام این نوشتار «حیا و اولیا» نوشته‌ایم.

نسبت به رفتاری است که انسان انجام آن را عیب و زشت می‌داند و از مورد عتاب و مذمت قرار گرفتن به واسطه آن، می‌ترسد. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۷۱ / ۳۳۹)؛ در مجموع عناصر پنج‌گانه‌ای در حقیقت حیا مدخلیت دارد: یک. حیا در مواجهه با فعل قبیح رخ می‌دهد. دو. منشأ زشت دانستن یک عمل، شرع، عقل و یا عرف جامعه است. سه. در این صفت، نفس حالت انکسار، انفعال، انقباض، انزجار و انحصار پیدا می‌کند. چهار. این حالت نفسانی در رفتار، موجب انجام دادن و ترک یک سری کارها است. پنج. علت اصلی برانگیختگی نفس در حیا، ترس است؛ ترس از سرزنش مردم و یا ترس از ارتکاب آن فعل. (مصطفوی، ۱۴۱۶: ۶ / ۱۷۸)

۲. حیا در قرآن و حدیث

در قرآن کریم یکی از فضائل بی‌کران پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، حیای ایشان در برابر بی‌ادبی و زشت‌کاری برخی مردمان است. (احزاب / ۵۳)؛ همچنین حیا از اوصاف دختر حضرت شعیب رضی الله عنه در مواجهه با حضرت موسی رضی الله عنه توصیف شده است. (قصص / ۲۵)؛ در روایات اسلامی حیا، نور باطن، منشأ خیر و خوبی، سد کفر و جهل، ملازم ایمان و ملاک پذیرش اعمال، دانسته شده است؛^۱ صفت حیا از جمله چهار خصلتی است که گناهان را به حسنات تبدیل می‌کند.^۲ (کلینی، ۱۴۲۹: ۳ / ۲۷۶)؛ روایات، به همراهی و وابستگی عقل، حیا و دین با هم اشاره دارد.^۳ (همان: ۱ / ۲۵) حیا ملازم با ایمان است.^۴ (همان: ۳ / ۲۷۶) منشأ تمام ارزش‌ها

۱. قَالَ الصَّادِقُ رضی الله عنه الْحَيَاءُ نُورٌ جَوْهَرُهُ صَدْرُ الْإِيمَانِ وَ تَفْسِيرُهُ التَّوْبُوبُ عِنْدَ كُلِّ شَيْءٍ يُنْكِرُهُ التَّوْحِيدَ وَ الْمَعْرِفَةَ قَالَ النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله الْحَيَاءُ مِنَ الْإِيمَانِ فَقِيلَ الْحَيَاءُ بِالْإِيمَانِ وَ الْإِيمَانُ بِالْحَيَاءِ وَ صَاحِبُ الْحَيَاءِ خَيْرٌ كُلُّهُ وَ مَنْ حُرِمَ الْحَيَاءَ فَهُوَ شَرُّ كُلُّهُ وَ إِنْ تَعَبَدَ وَ تَوَرَّعَ وَ إِنْ خَطُوهُ يُتَخَطَى فِي سَاحَاتِ هَيْبَةِ اللَّهِ تَعَالَى بِالْحَيَاءِ مِنْهُ خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةِ سَبْعِينَ سَنَةً وَ الْوَقَاحَةُ صَدْرُ النَّفَاقِ وَ الشَّقَاقِ وَ الْكُفْرِ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله إِذَا لَمْ تَسْتَجِ فَاَفْعَلْ مَا شِئْتَ أَي إِذَا فَارَقَتْ الْحَيَاءَ فَكُلُّ مَا عَمِلْتَ مِنْ خَيْرٍ وَ شَرٍّ فَأَنْتَ بِهِ مُعَاقَبٌ وَ قُوَّةُ الْحَيَاءِ مِنَ الْحُزْنِ وَ الْخَوْفِ وَ الْحَيَاءُ مَسْكَنُ الْخَشْيَةِ فَالْحَيَاءُ أَوْلُهُ الْهَيْبَةُ وَ صَاحِبُ الْحَيَاءِ مُسْتَعْلٍ بِشَأْنِهِ مُعْتَرِلٌ مِنَ النَّاسِ مُزْدَجَّرٌ عَمَّا هُمْ فِيهِ وَ لَوْ تَرِكَ صَاحِبُ الْحَيَاءِ مَا جَالَسَ أَحَدًا قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِعَبْدٍ خَيْرًا أَلْهَاهُ عَنْ مَحَاسِنِهِ وَ جَعَلَ مَسَاوِيَهُ بَيْنَ عَيْنَيْهِ وَ كَرِهَهُ مُجَالَسَةَ الْمُعْرِضِينَ عَنِ ذِكْرِ اللَّهِ. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۶۸ / ۳۳۶)

۲. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: «أَرْبَعٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ وَ كَانَ مِنْ قَرْنِهِ إِلَى قَدَمِهِ ذُنُوبًا، بَدَّلَهَا اللَّهُ حَسَنَاتٍ: الصِّدْقُ وَ الْحَيَاءُ وَ حُسْنُ الْخُلُقِ وَ الشُّكْرُ.»

۳. «عَنْ عَلِيٍّ رضی الله عنه، قَالَ: هَبَّطَ جَبْرَيْلُ رضی الله عنه عَلِيَّ رضی الله عنه، فَقَالَ: يَا آدَمُ، إِنِّي أَمَرْتُ أَنْ أَخْبِرَكَ وَاحِدَةً مِنْ ثَلَاثٍ، فَاخْتَرْتَهَا وَ دَعِ اثْنَتَيْنِ. فَقَالَ لَهُ آدَمُ رضی الله عنه: يَا جَبْرَيْلُ، وَ مَا الثَّلَاثُ؟ فَقَالَ: الْعَقْلُ، وَ الْحَيَاءُ، وَ الدِّينُ. فَقَالَ آدَمُ رضی الله عنه: إِنِّي قَدِ اخْتَرْتُ الْعَقْلَ. فَقَالَ جَبْرَيْلُ رضی الله عنه لِلْحَيَاءِ وَ الدِّينِ: انصُرِفَا وَ دَعَا، فَقَالَ: يَا جَبْرَيْلُ، إِنَّا أَمَرْنَا أَنْ نَكُونَ مَعَ الْعَقْلِ حَيْثُ كَانَ، قَالَ: فَشَأْنُكُمَا وَ عَرَّجَ.»

۴. «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ رضی الله عنه، قَالَ: لَا إِيمَانَ لِمَنْ لَا حَيَاءَ لَهُ.»

و مکارم اخلاق حیا دانسته شده است.^۱ (همان: ۱۴۴) اقسام پنج‌گانه حیا، چنین بیان شده است.

یک. حیا و شرم از ارتکاب گناه؛

دو. شرم از تقصیر در بندگی؛

سه. شرم از بزرگی و عظمت خدا؛

چهار. شرم از محبت خدا، که دل او را فراگرفته است و او را از ارتکاب معاصی باز می‌دارد؛

پنج. شرم از هیبت و سلطه الهی.^۲ (مجلسی، ۱۴۰۳: ۶۸ / ۳۳۶)

۳. حیا در عرفان نظری

عرفای اسلامی، برای رسیدن به مقام عرفان حقیقی، به منازل و مقاماتی قائلند که عملاً باید طی شود و بدون عبور از آن منازل، وصول به عرفان حقیقی را غیرممکن می‌دانند؛ در کتاب *منازل السائرین*، صد منزل شمرده شده که منزل حیا، بعد از منزل شکر و پیش از منزل صدق از سی و چهارمین منزل از منازل سالکان الی‌الله است، (ر.ک: انصاری، ۱۳۷۳: ۳۵). او حیا را از نخستین مراتب خاصان می‌داند که از تعظیم و بزرگداشتی که بسته به موَدّت و دوستی است، نشئت می‌گیرد. زیرا اگر بنده، عظمت حق تعالی را درنیابد و او را دوست ندارد، از آنچه در محضر او انجام می‌دهد، شرم و حیا نخواهد کرد. پس شرمساری در جایی است که انسان خود را در محضر بزرگی که او را دوست می‌دارد، مشاهده می‌کند. او حیا را دارای سه رتبه و مرحله می‌داند؛ یک. حیایی است که بنده از علم به این که حق تعالی به او نظر می‌کند و او را در محضر حق تعالی است نشئت می‌گیرد. دو، حیایی است که از نظر بنده در علم قرب نشئت می‌گیرد. سه، حیایی است که از شهود حضرت نشئت می‌گیرد.^۳ (همان، ۱۳۷۳: ۱۲۱)

گذری بر اخلاق حرفه‌ای معماری در فتوت‌نامه بنایان

چنان که گفته شد فتوت‌نامه بنایان از جمله مکتوباتی است که به آداب و مبانی فُتّیان در عرصه بنایی

۱. «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: الْمَكَارِمُ عَشْرٌ، صِدْقُ النَّبِيِّ وَصِدْقُ اللِّسَانِ، وَأَدَاءُ الْأَمَانَةِ، وَصَلَةُ الرَّحِمِ وَإِقْرَاءُ الضَّعِيفِ، وَ

إِطْعَامُ السَّائِلِ، وَالْمُكَافَأَةُ عَلَى الصَّنَائِعِ، وَالتَّدْمُّمُ لِلجَّارِ، وَالتَّدْمُّمُ لِلصَّاحِبِ، وَرَأْسُهُنَّ الْحَيَاءُ.»

۲. «الْحَيَاءُ خَمْسَةٌ أَنْوَاعٌ حَيَاءُ ذَنْبٍ وَحَيَاءُ تَقْصِيرٍ وَحَيَاءُ كِرَامَةٍ وَحَيَاءُ حُبِّ وَحَيَاءُ هَيْبَةٍ وَلكِنْ وَاحِدٌ مِنْ ذَلِكَ أَهْلٌ وَ

لِأَهْلِهِ مَرْتَبَةٌ عَلَى حِدَّةٍ.» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۶۸ / ۳۳۶ به نقل از کتاب مصباح الشریعه و مفتاح الحقیقه)

۳. الْحَيَاءُ مِنْ أَوَائِلِ مَدَارِجِ أَهْلِ الْخُصُوصِ يَتَوَلَّدُ مِنْ تَعْظِيمِ مُنَوَّبٍ بِوَدِّ وَهُوَ عَلِي ثَلَاثَ دَرَجَاتٍ. الدَّرَجَةُ الْأُولَى حَيَاءُ يَتَوَلَّدُ

مِنْ عِلْمِ الْعَبْدِ بِنَظَرِ الْحَقِّ إِلَيْهِ فَيَجْذِبُهُ إِلَيْهِ تَحْمِلُ الْمَجَاهِدَةَ وَيَحْمِلُهُ عَلِي اسْتِقْبَاحِ الْجَنَائِدِ وَيَسْكُتُهُ عَنِ الشُّكُويِ

وَالدَّرَجَةُ الثَّانِيَةُ حَيَاءُ يَتَوَلَّدُ مِنَ التَّنَظَّرِ فِي عِلْمِ الْقُرْبِ فَيَدْعُوهُ إِلَيْهِ رُكُوبِ الْمَحَبَّةِ وَيَرْبِطُهُ بِرُوحِ الْأَنْسِ وَيَكْرَهُ إِلَيْهِ

مُتَلَابِسَةَ الْخُلُقِ وَالدَّرَجَةُ الثَّالِثَةُ حَيَاءُ يَتَوَلَّدُ مِنْ شُهُودِ الْحَضْرَةِ وَهِيَ الَّتِي تَشُوبُهَا هَيْبَةٌ وَلَا تَقَاوِبُهَا تَفَرُّقَةٌ وَلَا يُوقِفُ لَهَا

عَلِي عَائِدَةً. (انصاری، ۱۴۰۸: ۵۵ - ۵۴)

اشاره دارد؛ محتوای این فتوت‌نامه بسیار ارزشمند و قابل استفاده است؛ در ادامه با نشانگذاری محتوای این اثر به برخی از ارزش‌های معنوی، صنفی آن از جمله حیا، اشاره می‌کنیم:

۱. توحیدمحوری

براساس اصل حکمی قرآنی «مالکیت مطلق الهی»، (ر.ک: زمر / ۶۳ - ۶۲؛ بقره / ۲۵۵؛ آل عمران / ۲۶؛ نساء / ۵۳؛ مائده / ۱۲۰؛ اعراف / ۱۵۸؛ نور / ۴۲) توانمندی، هنر، استعداد، امکانات، خاک و خانه، همه متعلق به حضرت حق و براساس اصل «مالکیت اعتباری انسان» و اصل «جواز تسخیر» (ر.ک: ابراهیم / ۳۳؛ نحل / ۱۲ و ۱۴؛ حج / ۶۵؛ لقمان / ۲۰) استفاده و تصرف در آن به‌عنوان امانت‌های الهی در اختیار انسان است؛ این فرهنگ توحیدباوری و خدامحوری در شئون گوناگون سربان دارد از جمله دستور به ذکر و تذکر آیات الهی، توسل به اسماء و صفات و تجلیات حضرت حق. در فتوت‌نامه بنایان هر یک از افعال و حالات مهارتی معماران همراه با ذکر و وردی همراه است.^۱
(خانمحمدی، ۱۳۷۰: ۱۵)

۲. اقتدا بر پیامبران و اولیا

در باور اهل حرفه، پیامبران گذشته و اولیا الهی، هر کدام صاحب حرفه‌ای بوده‌اند و ایشان، ایجاد و ابتکار حرفه‌های گوناگون را به یکی از صالحان، نسبت می‌دادند.^۲ چنان‌که در فتوت‌نامه بنایان، اولین بنا، حضرت نوح یا حضرت ابراهیم دانسته شده؛ حضرت محمد ﷺ، بزرگترین بنا و حضرت علی علیه السلام، کریم‌ترین بنا و قطب دایره فتوت شمرده شده‌اند.^۳ (همان: ۱۴)

۱. اگر پرسند که چون بر سر کار روی کدام آیه از کتاب خدا را فرائت کنی، بگو که این کلام خداوند را که فرماید: «وَأَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى» (نجم (۵۳): ۳۹) ... و اگر پرسند چون قالب به دست‌گیری چه خوانی، بگو قوله تعالی: «لَا يَصْلَاهَا إِلَّا الْأَشْقَى * الَّذِي كَذَّبَ وَتَوَلَّى» (لیل (۹۲): ۱۶ - ۱۵)، «أَنْ جَاءَهُ الْأَعْيَى» (عبس (۸۰): ۲) ... و چون پرسند که اگر طرح گنبد اندازی و طاق‌ها راست کنی چه گویی، بگو: «يَقُولُونَ رَبَّنَا أَنْتُمْ لَنَا نُورٌ نَا وَأَغْفِرْ لَنَا إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ». (تحریم (۶۶): ۸) (خانمحمدی، ۱۳۷۰، ۱۵)

۲. این باور علاوه بر جنبه‌های ظاهری در پیوند صاحبان حرف با هم و یک نوع صنف‌گرایی، در بردارنده نکات مهم تربیتی و اخلاقی بوده است؛ صنعتگران، معتقدند که اصالت حرفه از شناخت ولی‌ای که آن را پایه نهاده، محقق می‌گردد و با این شناخت برای کارآموز اطمینان‌خاطر حاصل می‌شود و رغبت او نسبت به آن کار افزوده می‌گردد و می‌پنداشتند که معرفت ولی، کسب را حلال می‌گرداند.

۳. اگر پرسند کریم‌ترین بنایان که بود، بگوی علی بود، ... که در بنای مسجد مدینه پیامبر را معاضدت کرد. و او سر جوان مردان است و بزرگ‌ترین ایشان در مقام، چنان‌که حدیث در مقام اوست، «لَا سَيْفَ إِلَّا ذُو الْفَقَارِ، لَا فَيْ إِلَّا عَلِيٌّ». (خانمحمدی، ۱۳۷۰، ۱۴)

۳. آیات و روایات و سخن اولیا به‌عنوان اسناد بالا دستی

با بررسی متون صنفی درمی‌یابیم که نویسندگان آن‌ها فراوان از آیات قرآن و روایات^۱ و سخن بزرگان به انحاء گوناگون بهره برده‌اند؛ این امر نه فقط به‌عنوان تیمّن و تبرک، زیور و زینت؛ بلکه این نشان از ارتباط ذهن، زبان و زندگی این مردمان با فرهنگ و معارف قرآن، متون دینی و مرجعیت رفتار اولیا و صالحان دارد. در فتوت‌نامه بنیایان برای هر یک از افعال و اعمال حرفه‌ای آیه‌ای توصیه یا ذکر سفارش شده است.^۲ (همان، ۱۳۷۰: ۱۵)

۴. استناد متون صنفی به اولیاء الله و امامان اهل بیت علیهم‌السلام

این موضوع بیشتر برای اعتباربخشی و اطمینان مخاطب بوده و بیان این که بزرگان، به‌عنوان سرحلقه اهل صناعت می‌باشند و بیشتر جنبه تشویقی، تربیتی دارد؛ چنان‌که فتوت‌نامه بنیایان منتسب به امام صادق علیه‌السلام شده است.

این رساله‌ای است اندر آداب فتوت بنیایان که منسوب است به امام کامل، وحی ناطق، امام جعفر صادق علیه‌السلام، که آن بزرگوار چنین گفته و نوشته‌اند تا اهل این حرفه بدانند و یاد گیرند. (همان: ۱۲)

۵. کسب و احراز شرایط اولیه

شرایط اولیه جوانمردان هفت چیز است (توجه به حداقل‌ها)؛ که داوطلب باید این شرایط اولیه را به‌دست آورد. مرد بودن، بلوغ، عاقل بودن، دین‌داری، سلامت جسم، مروّت داشتن و حیا از آن جمله هستند.

بدان که شرایط عام و استعداد فتوت نزد این طایفه هفت است. اول ذکور بودن است ... دوم بلوغ است ... سیم داشتن عقل است ... چهارم دین داشتن است، ... پنجم صحت و

۱. بررسی این روایات از منظر دانش‌های حدیثی (رجال و درایه) خود نیاز به پژوهشی مستقل دارد، لیکن اجمالاً می‌توان گفت: با توجه به موضوع این فتوت‌نامه‌ها و رساله‌ها که حوزه حکمت عملی (اخلاق و تربیت) است، بنابر قاعده تسامح در ادله سنن، ایشان توجه چندانی به بحث‌های سندی و دلّالی نداشته‌اند، لذا اعتبار برخی این روایات در حد متوسط و گاهی ضعیف است.

۲. اگر پرسند آن زمان که بر کار بالا روی و بر ارتفاع بایستی چه خوانی، بگو: «عَسَى رَبُّكُمْ أَنْ يُكَفِّرَ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيُدْخِلَكُمُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ» (تحریم (۶۶): ۸) و اگر پرسند چون پایین آیی و بر زمین قرارگیری چه گویی، بگو: «وَوُيُزَّتِ الْجَحِيمُ لِمَنْ يَرَى * فَأَمَّا مَنْ طَغَى * وَأَثَرَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا * فَإِنَّ الْجَحِيمَ هِيَ الْمَأْوَى» (نازعات (۵۱): ۳۹ - ۳۶) و اگر پرسند چون دست در گل کنی چه گویی: بگو از قرآن خوانم که: «إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ». (عصر (۱۰۳): ۳)

سلامت جسم به‌گونه‌ای که عیب فاحش ظاهر و باطن نداشته باشد ... ششم مرآت داشتن است و آن از لوازم صفات فطرت است، هفتم حیا. (همان: ۱۳)

۶. سلوک معنوی در معماری

پس از احراز شرایط حداقلی (شرط ورود)، اهل حرفه و استادان هنر، شرط بقای فرد در صنعت و پیشه را آراستگی و ادب برشمرده و تخلّق به اخلاق جوان‌مردی و پاک‌گردیدن از هرگونه ناپاکی را لازم دانسته‌اند (اصل اهلیت) در فتوت‌نامه بنایان، برخی صفات از اهمیت ویژه برخوردار است. از جمله «ایثار» که اصل فتوت نام گرفته، «خلق نیکو، صبر، فقیر دوستی، سخاوت، نصیحت، هدایت، توبه، تواضع، طمأنینه، صدق و وفا، طهارت، کم‌گویی، اتقان در کار، وجدان کاری و رعایت حق مصرف‌کننده» و از همه مهم‌تر «حیا» است. (همان: ۱۵ - ۱۲)

هشت خصلت است که بر فتیان ثابت است. چهار آن عام و چهار آن خاص این گروه باشد. چنان که قطب دایره فتوت، امیرالمؤمنین علی علیه السلام بدان اشارت فرمود: «حیثُ قال: اصل الفتوة الوفا والصدق والامن (طمأنینه قلب) و السخاء والتواضع والنصيحة وهدیه و توبه ولايستاهل الفتوة الا من يستعمل هذه الخصال». ^۱ (کاشانی، ۱۳۶۹: ۱۷)

۷. تخصص و کسب مهارت‌های لازم

اهل این صنعت که اکنون اهل فتوت است باید ابزار کارخویش را بشناسد و از بهترین و جدیدترین ابزار استفاده نماید. لذا در فتوت‌نامه بنایان ابزار اصلی کار بنایی را که هفت وسیله تیشه، ماله، قالب، ناوه، ریسمان، شاغول و چوب زاویه است، معرفی نموده و برای هر کدام شرحی می‌نگارد و در آن اشاره می‌کند که «بنای نیک آن است که این همه در راه رضای خداوند و خلق خداوند به‌کار برد و از طریق صلاح منحرف نگردد». (همان: ۱۴)

۸. آموزش‌های کمال‌بخش (اخلاقی - معنوی، مکمل)

از جلوه‌های منحصربه‌فرد فرهنگ اسلامی، ارتباط ظاهر و باطن، صنعت و فضیلت است؛ از منظر پیشینیان، اهل هر حرفه به مقام استادی در حرفه نمی‌رسد جز این‌که در ساحت معنوی نیز مراحل طی نموده باشد و لذا بسیاری از استادان، خود از اهل معنویت و اخلاق بوده‌اند، چنان‌که در وصف استاد علی‌اکبر اصفهانی (معمارباشی جامع عباسی در میدان نقش جهان اصفهان)، او را مرد کدخدایی، در نهایت آرامی و صلاح و

۱. کهن‌ترین منبعی که این سخن را نقل کرده کتاب *تحفة الاخوان فی خصائص الفتیان*: در بیان اصول فتوت و آداب فتیان صفحه ۱۷ از کمال‌الدین عبدالرزاق کاشانی در قرن هفتم هجری است.

درویشی توصیف کرده‌اند. (نصرآبادی، ۱۳۶۱: ۱۳۸) در فتوت‌نامه بنایان در بیان احکام ده‌گانه بنایی، اولین حکم را آشنایی با «علم شریعت و طریقت» می‌داند تا بدین سبب «استادی او را مسلّم باشد». (خانمحمدی، ۱۳۷۰: ۱۵)

۹. رعایت مهارت‌های مدیریتی و تربیتی

آثار و ابنیه تاریخی از یک‌سو و گزارش‌های تاریخی از دیگر سو، به‌خوبی گواه این است که استادان و معماران این بناها براساس دانش و تجربه، مهارت فوق‌العاده در مدیریت این پروژه‌ها چه در بُعد فیزیکی و چه در بُعد نیروی انسانی داشته‌اند؛ چنان‌که در فتوت‌نامه بنایان از ۱. استادی در حرفه (تخصص کافی)، ۲. چالاک‌ی و ورزیدگی در کار، ۳. تعهد، وجدان کاری و مسئولیت‌پذیری «آنچه را که انجام دهد چنان باشد که از برای خود نماید»، ۴. توجه به توانایی افراد در قبول کارها، ۵. احترام به کارگران و همکاران، ۶. مهربانی و وسعت مالی برای ایشان «شفقت به نان و جامه» ۷. تربیت عزیزانه شاگردان، به‌عنوان لازمه استادی و حکم بنایی نام برده شده است. (همان)

۱۰. شناخت الگوهای شغلی، مشایخ حرفه و رعایت ادب شاگردی

در نظر پیشینیان، اصلی‌ترین وظیفه شاگرد، شناخت، پیوند و الگوبرداری از پیران و بزرگان حرفه می‌باشد؛ این مهم تنها از طریق انتخاب استاد وارسته در قید حیات و رعایت ادب شاگردی نسبت به آن استاد بوده است. بدین سبب در فتوت‌نامه بنایان بعد از ذکر اولین، بزرگ‌ترین، کریم‌ترین بنایان، به معرفی پیران شریعت، طریقت، حقیقت و معرفت^۱ پرداخته و رعایت ادب نزد بزرگان را از اصول بنایی توصیف می‌نماید. (همان: ۱۵ - ۱۴)

۱۱. دانستن و رعایت سلسله مراتب آموزشی و شغلی

مراتب آموزشی و حرفه‌ای بنایی که در فتوت‌نامه بنایان اشاره شده به ترتیب: مزدور یا شاگرد خُرد که

۱. اگر پرسند اول بنا که بود بگو که اول بنا ابراهیم خلیل بود^{علیه السلام} که خانه کعبه بنا کرد. دیگر گفته‌اند اول بنا نوح پیامبر بود^{علیه السلام} که چون طوفان بنشست شهرها و روستاها دیگر بار به ساخت ... اگر پرسند بزرگ‌تر بنایان که بود بگوی که پیغمبر^{علیه السلام} ما بود ... اگر پرسند کریم‌ترین بنایان که بود بگوی علی بود ... اگر پرسند که چهار پیر شریعت تو کیست، جواب بگو چهار پیغمبر مرسل؛ اول آدم صفی، دوم ابراهیم خلیل، سیم موسی کلیم، چهارم خاتم انبیا محمد مصطفی صلوات الله علیه. ... اگر پرسند که چهار پیر طریقت تو کیست، بگو که اول ایشان حضرت جبرائیل بود، دویم حضرت میکائیل، سیم حضرت اسرافیل، چهارم حضرت عزرائیل ... اگر پرسند که چهار پیر حقیقت تو کدام‌اند، جواب ده اول پدر، دوم معلم، سیم استاد چهارم پدر عروس ... اگر پرسند چهار پیر معرفت کدامند، جواب بگو که اول شیخ عطار، دویم خواجه حافظه شیرازی، سیم شاه شمس تبریزی، چهارم ملای رومی ... اگر پرسند که چند اصل است بنائی را، بگو که پنج اصل است ... پنجم به ادب بودن نزد مشایخ و بزرگان. (خانمحمدی، ۱۳۷۰: ۱۵ - ۱۴)

«کار گل از او برآید و ناوه بر سر گیرد و در این طریق هنوز مبتدی است» آغاز شده در مرتبه بعدی، صاحب که «اندک مایه از بنائی حاصل کرده، ولی هنوز به مرتبه استادی نرسیده» و در مرتبه نهایی استاد بنا می‌باشد که «داند هر وسیله را چگونه به کار برد و خشت را چگونه بر سر خشت نهد و چگونه از عهده قوس و ستون و غیر آن برآید» بدین ترتیب هر کدام کار مشخصی دارند و باید این سلسله مراتب به دقت رعایت شود. (همان: ۱۴)

۱۲. رعایت آداب شرعی و اصول بهداشتی

همراه داشتن و دانستن وسایل و ابزار بهداشتی هفت‌گانه کارد، ناخن‌چین، سرتراش، شانه، مسواک، میل (میله یا سوزن) و منقاش (موچینه) که هر کدام نماد و نشانه یکی از آداب و سنن شرعی است بر ایشان لازم بوده است. در فتوت‌نامه بنیایان کاربرد هر یک از این ابزار و وسایل بیان شده است.^۱ (همان: ۱۴)

۱۳. حیامندی و حیامداری

اصل حیا، در فتوت‌نامه بنیایان بسیار با اهمیت قلمداد شده است چنان‌که در سه موقف مورد اشاره و تأکید قرار گرفته است؛

یکم. از اصول پنج‌گانه معماری

اگر پرسند که چند اصل است بنایی راه، بگو که پنج اصل است... سیم با حیا بودن و نظر از غیر برداشتن.

دوم. از شروط عام فتوت

بدان که شرایط عام و استعداد فتوت نزد این طایفه هفت است ... هفتم حیا.

۱. اما کارد در همه حال بکار آید، در بریدن گوشت و خوردن خربزه و تراشیدن خلال، و شانه که محاسن بدان بیاراند و این از واجبات است و شانه باید که درست و مستقیم باشد و درو شکستگی نباشد که آن مایه نقصان دارنده‌اش است. و داشتن سرتراش واجب است که اگر سرتراش نباشد به وقت نیاز محتاج دیگری باشد و این ترک ادب است. و دیگر ناخن‌چین واجب است که هم بدان موهای زائد چون موی سیبیل و سیبیل بینی اگر دراز باشد کوتاه نماید که آن ترک سنت است. منقاش و میل هر دو وسیله‌ی تمام است که به یکی چون خاری یا تیغی در انگشت خلد درآورند، و میل از بهر آنست تا آلودگی گوش بدان پاک نمایند که بزرگان گفته‌اند آلودگی گوش دلیل بر غفلت است و غفلت بر صاحب فتوت روا نباشد. و آخرین از این اسباب مسواک است و آن چوب پاره‌ایست که بدان دندان‌ها بشویند و مسواک کردن سنت پیامبر و دیانت اسلام است و سنت جوانمردان، چه که گفته‌اند نماز با مسواک یک در ده باشد، و بلکه یکی در هفتاد. (همان: ۱۴)

سوم. از مهم‌ترین صفات یک معمار

اگر پرسند که کدام خصلت بنایان بیشتر به کار آید بگو: حیا، چرا که حیا و چشم پاک داشتن از خصلت‌های جوان‌مردان است و به‌خصوص بنایان را به کار آید که چون بر کار بالا روند چشم پاک دارند و در خانه دیگران ننگرند و چون ناخواسته عورت دیگران ببیند چشم بسته دارد و هرگز چون بر کار باشد به اطراف ننگرد و آنچه ببیند چشم پوشد. (همان: ۱۵ - ۱۲)

تجلی صفت حیا در معماری سنتی

موارد ذیل را می‌توان مصادیق تجلی حیا در معماری سنتی دانست:

۱. رابطه هنرمند و اثر هنری براساس نظریه شاکله

براساس آموزه‌های اسلامی، رفتار اختیاری انسان برآیند شخصیت و مجموعه استعدادها و استعدادهای او است؛ این موضوع با تعبیر قرآنی «شاکله»^۱ مطابقت دارد. آدمی به هر شاکله‌ای که باشد و هر صفت روحی که داشته باشد اعمالش بر طبق همان شاکله و موافق با فعلیات داخل روحش از او سر می‌زند و اعمال بدنی او همان صفات و فعلیات روحی را مجسم می‌سازد. میان اعمال و ملکات آدمی و میان اوضاع و احوال زندگی او و عوامل خارج از ذات (مانند آداب، سنن، رسوم و عادات‌های تقلیدی) رابطه معناداری برقرار است (طباطبایی، ۱۳۷۶: ۲۰ / ۷۲) به بیان شیخ بهایی، «حال متکلم از کلامش پیداست»^۲ پرواضح است هنرمندان و معمارانی حیامند، مبدع و خالق هنر و معماری حیامدار هستند. این رابطه هنرمند و هنر در سروده حکمی سلطان علی مشهدی چنین آمده:

داند آن کس که آشنای دل است که صفای خط از صفای دل است
(به نقل از: قلیچ خانی، ۱۳۸۴)

در رساله *آداب‌المشق* این موضوع به نیکی تبیین شده است. در بیان آن که کاتب را از صفات ذمیمه احتراز می‌باید کرد زیرا که صفات ذمیمه در نفس علامت بی‌اعتدالی است و حاشا که از نفس بی‌اعتدال

۱. اشاره به آیه «قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَىٰ شَاكِلَتِهِ؛ بگو، هر کس برحسب ساختار خود عمل می‌کند». (اسراء (۱۷): ۸۴)

۲. شیخ بهایی در دیوان اشعار، بخش رباعیات، در رباعی ۱۹ می‌فرماید:

آن کس که بدم گفت، بدی سیرت اوست و آن کس که مرا گفت نکو خود نیکوست
حال متکلم از کلامش پیداست از کوزه همان برون تراود که در اوست

کاری آید که در او اعتدال باشد؛ از کوزه همان برون تراود که در او است. پس کاتب باید که از صفات ذمیمه به کلی منحرف شود و کسب فضائل حمیده کند تا آثار انوار این صفات مبارک از چهره شاهد ختس سرزند و مرغوب طبع ارباب هوش افتد. (خروش، ۱۳۸۰: ۶)

۲. اصل حیا و حجاب در معماری سنتی

با بررسی اصول حاکم بر معماری سنتی، به وضوح می‌توان اصل حیامداری، حجاب^۱ و توجه به حریم و محرمیت در معماری سنتی را مشاهده کرد. (شکل ۱)

در رابطه با ارزش اخلاقی عرفانی حیا و اصل معمارانه حجاب، باید دانست حیا، امری باطنی است و نمود و تجلی آن در تمام شئون بشری از جمله اقتصاد، سیاست، هنر قابل مشاهده است؛ نمود این حقیقت معنوی در معماری سنتی، اصل حجاب، حریم و محرمیت است. زیرا حجاب و حیا هر دو در معنای مانع و بازدارندگی مشترک هستند، ولی حریم و حجاب در خانه، مانع و بازدارنده ظاهری است و حیامداری در روح، مانع و بازدارنده باطن است. حجاب در معماری، بازتاب بیرونی حیا درونی و نماد و تندیس از حیا جامعه و آحاد آن است، و لذا کسی که حیامدار باشد، نه تنها رفتار و گفتار او بلکه هنر و معماری، منزل و شهر او نیز حیامند است؛ چرا که حیا درونی شخص، در رفتارهای ظاهری او در زندگی و معاشرت اجتماعی، در هنر و زیست‌بوم او نمایان می‌شود. گفتار پیشین براساس نظریه شاکله مطرح گردیده؛ در ادامه به منظور مستندسازی این ایده به آراء برخی نویسندگان در حوزه معماری اشاره می‌کنیم:

الف) اصول حاکم بر معماری اسلامی هفت اصل است. توحید، اخلاص، عبادت و احترام، علم، حیا یا حجاب،^۲ اقتصاد و ذکر. (دهشیدی، ۱۳۹۰: ۱۱۰)

۱. حجاب به معنی پرده و پوشش است و به صورت مصدر، به معنی مانع شدن و پنهان کردن. (شریعتمداری، ۱۳۷۲: ۴۴۹) بین مقدار حجاب [و پوشش ظاهری] و حیا [و بازداری باطنی] انسان، رابطه تأثیر و تأثر متقابل وجود دارد؛ بدین ترتیب که هر چه حیا درونی و باطنی انسان بیشتر باشد، رعایت حجاب و پوشش ظاهری بیشتر و بهتر خواهد بود؛ و هر چه حجاب و پوشش ظاهری بیشتر و بهتر باشد، دست‌یابی انسان به مراتب بالاتر حیا را در پی خواهد داشت. حجاب، میوه حیا، و حیا، ریشه حجاب است. حجاب یک بنا و یک شکل است درحالی‌که حیا یک مینا و زیربنا است. رابطه حیا و حجاب بسیار به نظریه شاکله و رفتار نزدیک است.

۲. ساختمان‌های اسلامی بایستی دارای حجاب باشند. پیشینیان برای ایجاد حجاب، ساختمان‌هایی که مصرف شخصی داشته‌اند را درون‌گرا می‌ساختند، ولی ساختمان‌های اماکن عمومی نظیر کوشک‌ها را برون‌گرا بنا می‌کردند. برای درون‌گرایی ساختمان، اتاق‌ها را در اطراف میانسرا می‌ساختند و اگر ساختمان بزرگ‌تری می‌خواستند به دو بخش اندرونی و بیرونی طراحی و اجرا می‌نمودند ... از در ورودی که وارد می‌شدند، ابتدا یک هشتی داشته که به دو دالان متصل بود: یکی برای بخش اندرونی و دومی برای قسمت بیرونی. چراکه بخش اندرونی در حجاب کامل باید باشد. از طرفی با ساخت پنجره‌های کوچک و با ایجاد شبکه و پنجره‌های مشبک، حجاب بیشتری به بنا می‌دادند. حتی کوبه درها متفاوت بوده که تفاوتی بین مرد و زن بودن مراجعه‌کننده مشخص باشد ... سعی می‌شد بناها اشرافی به یکدیگر نداشته باشند و حتی از بیرون طوری باشد که به یکدیگر

ب) مطالعات نشان می‌دهد که حریم خانواده در فضای معماری مسکونی در بافت‌های سنتی در مباحثی از قبیل نحوه نورگیری و اشرافیت و سلسله مراتب دسترسی و درجه باز و بسته بودن، کاملاً منطبق بر اصل حیا می‌باشد. (هاشمی، ۱۳۸۸)

ج) مسئله حریم و حجاب (حجاب دیداری، صوتی و رفتاری) و صیانت از محرمت یکی از اصول مهم معماری ایرانی در خلق فضای معماری بوده است.^۱ (جلیلی، ۱۳۸۸)

د) شهر اسلامی شهری است که مناسب زیستن مسلمانان باشد؛ معماری و شهرسازی خنثی نیست، معماری یک شهر تجلی‌گر ارزش‌های اخلاقی، هویتی و ایمانی شهروندان آن شهر است. در معماری اسلامی باید اصولی حاکم باشد که با مراجعه به متون دینی و شناخت طبیعت می‌توان این اصول را به دست آورد. یک جامعه با حیا، معماری با حیا نیز دارد. (نقی زاده، ۱۳۹۴)

ه) سبک معماری خانه می‌تواند کلید راهیابی به فرهنگی باشد که از طریق فضای ساخته شده متظاهر می‌شود. عناصر شناختی، معماری خانه، ما را با مؤلفه‌های فرهنگی و نمادین افراد آن فرهنگ آشنا می‌سازد. سبک معماری، محمل پدیدآمدن ذهنیت سوژه در ساختارهای اجتماعی، فرهنگی و تاریخی آن است. معماری حجاب محصول گفتمان حیا و معماری مدرن مبتنی بر اصل دیده‌شدگی است. (بهرامی و ایرانی‌نژاد، ۱۳۹۲)

و) در فرهنگ ایرانی، خانه محلی برای تجلی بخشیدن به ارزش‌های سنتی دینی و حفظ خانواده است. لذا معماری خانه‌ها به گونه‌ای است که خانواده بتوانند در درون خانه حریم خصوصی خود را داشته باشند. در فرهنگ سنتی ایرانی خانه باید حریم اندرونی و بیرونی داشته باشد تا بیگانه چشمش به ناموس خانه نیفتد. (حسین‌پور و دیگران، ۱۳۹۵)

ز) امروزه در ساخت‌وسازهای آپارتمانی و مجتمعی، حیا و حریم خصوصی چندان مورد توجه قرار نمی‌گیرد. این مسئله حتی فراتر می‌رود و در معماری و دکوراسیون داخلی منازل هم به چشم می‌خورد. به نظر می‌رسد که ساختار و نظام شهری و مهندسی ما با نگاه تدریجی به تغییر قوانین تأیید و نظارت بر

فخر نفروشدند ... انسان در اثر رعایت حجاب، وقتی به مجموعه شهرها و ابنیه کسانی که در آنجا زندگی می‌کنند و به حجاب اعتقاد دارند نگاه می‌کند، این اعتقاد را در خود کالبد شهر هم ملاحظه می‌نماید.

۱. مراعات اصل حجاب در سطوح مختلف معماری ایرانی به طور کامل لحاظ شده است. چنانچه در طراحی و ساخت بناها به حجاب دیداری، حجاب صوتی و حجاب رفتاری توجه ویژه شده است. برای رعایت قانون الهی و ایجاد امنیت زنان به لحاظ محرمت و حجاب، بنا، طوری ساخته می‌شد که هیچ غریبه‌ای نمی‌توانست تا قلب آن را رؤیت کند. زن در درون اندرونی یک بنا، دارای امنیت خاطر بود و وجود محرمت و حریم در بین محرم و نامحرم با طراحی ویژه معماری کاملاً قابل تعریف و قابل لمس بود. در حوزه‌های رفتاری نیز طراحی فضا در معماری ایرانی به گونه‌ای انجام می‌شد که بخش‌های مختلف و خاص به لحاظ حفظ حریم و حجاب کاملاً تفکیک می‌شدند. از سویی دیگر باید پذیرفت که معماری ایرانی همواره آمیخته با اصل حفظ حریم و حجاب بوده است و این مسئله ناشی از فرآیند دین و مذهب حاکم بر زندگانی مردم و همچنین باورهای دینی بوده است. (جلیلی، ۱۳۸۸)

واحدهای ساخته‌شده و تغییر رویکردهای پیشین، حیا و فرهنگ و عرف سنتی و ایرانی مذهبی ایران باید در این قوانین و رویکردها بیشتر مدنظر قرار گیرد. (محمدی، ۱۳۹۶)

ح) معماری امروز ایران، صحنه یک محیط دو قطبی است، که یک قطب آن را شق لیبرال فرهنگ مدرن تشکیل می‌دهد، و قطب دیگر را شق اسلامی فرهنگ دینی. (شکل‌های ۲ و ۳)

در معماری ایرانی همیشه اصول لایتغیری وجود دارد که علی‌رغم وحدت اصول، کثرت و تنوع نیز در آن‌ها موج می‌زند. این اصول، در ابتدا بر مفهوم کلی «حیا» دلالت دارند و در گام بعدی، شامل مفاهیمی چون رعایت «حریم و حدود»، «تناسبات و مردم‌واری»، «حیطه‌بندی»، «سلسله مراتب» در همه شئون، «درون‌گرایی» می‌شود ... مهم‌ترین خصیصه معماری لیبرال، «حیازدایی» است که آن را به‌وسیله دیگر مؤلفه‌ها محقق می‌نماید. معماری لیبرال، رهایی از تناسبات و هندسه، عدم حفظ حریم و حدود، بی‌توجهی به اقلیم و محیط و طبیعت، عدم انسان‌واری، برون‌گرایی افراطی و سپس پلان آزاد و فرم آزاد را دربرمی‌گیرد؛ که همه این عارضه‌ها متأسفانه به‌وفور در معماری امروز ما چشم را می‌آزارد. (ارجمندی، ۱۳۹۱)

ط) یکی از مهم‌ترین ابعاد طراحی فضاهای مسکونی در ایران، پیش‌بینی اصل حیا و موضوع حجاب بوده است.

حجاب و محرمیت در معماری سنتی ایران نقش بسزایی داشته که موجب شکل‌گیری گونه‌ای خاص در معماری این مرز و بوم و یکی از شاخص‌ها شده است. اما با توجه به پیشرفت و تمایل به فرهنگ‌های غیربومی و با نفوذ مدرنیسم در عصر حاضر این امر باعث کم‌رنگ شدن حریم‌های خصوصی و سست شدن پایه‌های اعتقادی خانواده‌ها و افزایش اشرافیت و گاه برون‌گرایی افراطی در معماری امروز ایران شده است و معماری کنونی چنان مسحور شیوه‌های غربی و مدرنیته شده که این فرهنگ بومی را در ساخت و سازهای قدیمی باید جستجو کرد. (رفعت‌جاه، ۱۳۹۲)

به‌نظر می‌رسد در فرهنگ و معماری اسلامی ایرانی (معماری سنتی)، حیا، در چهار ساحت بنا (کالبد)، بنا (سازنده)، مصرف‌کننده و قوانین، سریان داشته و عناصر شهری چون محله‌ها، کوچه‌ها، تفریح‌گاه‌ها، محیط‌های فرهنگی - آموزشی، عناصر معماری مانند نقشه، ارتفاع ابنیه، پنجره‌ها و درب‌ها و سایر عناصر با توجه به این اصل و برخی اصول دیگر چون قناعت، همسایگی، شکل گرفته است.

نتیجه

۱. تاریخ هنرهای سنتی از جمله معماری، در ابعاد گوناگون آموزش، طراحی و اجرا، نشانگر آمیختگی

معنویت و اخلاق با هنر و مهارت است.

۲. معماری سنتی، دربردارنده اصولی چون توحیدمحوری، اقتدا بر پیامبران، توجه به آیات و روایات، استناد متون صنفی به اولیا الهی، کسب و احراز شرایط اولیه پیشه، سلوک معنوی در حرفه، اصل تخصص، آموزش‌های مکمل، رعایت مهارت‌های مدیریت پروژه و مدیریت منابع انسانی، رعایت ادب شاگردی، رعایت سلسله مراتب شغلی، رعایت اصول بهداشتی و حیا است.

۳. با بررسی اصول حاکم بر هنر اسلامی خصوصاً معماری، به‌وضوح می‌توان تجلی صفت حیا را در ساحت‌های سازنده، سازه، مصرف‌کننده، مشاهده کرد.

۴. امروزه یکی از مصادیق معروف در عرصه شهرسازی و معماری ساختمان‌ها و فضاهای داخلی، رعایت اصل حیا و محرمیت است.

۵. این مهم با تغییر هدفمند قوانین معماری و شهرسازی از یک‌سو و آموزش و تربیت هنرمندان و معماران براساس اصول پیش‌گفته از سوی دیگر ممکن خواهد بود.



شکل (۱): دو نما از خانه طباطبایی‌ها در کاشان اثر علی مریم کاشانی؛ www.karnaval.ir



منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. ابن فارس، احمد، ۱۴۱۱ ق، معجم مقاییس اللغة، تحقیق عبدالسلام هارون، بیروت، مکتب الاعلام الاسلامی.

۳. ابن منظور، محمد بن مكرم، ۱۴۱۶، لسان العرب، بيروت، داراحياء التراث العربی.
۴. ارجمندی، اسماعیل، انتشار ۱۶ / ۲ / ۱۳۹۱، «بلاي جان معماری اسلامی / ۱، لیبرال معماری؛ حیازدایی از ام‌القرای جهان اسلام»، نشریه مشرق، به آدرس: mshrgh.ir / ۱۱۷۰۹۲.
۵. اسلامی، سید غلامرضا و کاظم مندگاری، ۱۳۸۴، «آموزش معماری و تربیت معماران»، مقالات اولین هم‌اندیشی معنویت و آموزش هنر، تهران، فرهنگستان هنر.
۶. اسلامی، محمدتقی و جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۷، اخلاق کاربردی، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۷. افشاری، مهران، ۱۳۸۴، آیین جوانمردی: مرام و سلوک طبقه عامه ایران، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
۸. امیری، علی‌نقی؛ همتی، محمد و مهدی مبینی، ۱۳۸۹، «اخلاق حرفه‌ای؛ ضرورتی برای سازمان»، معرفت اخلاقی، شماره ۴، ۱۶۰ - ۱۳۷.
۹. امین‌پور، احمد و مهرداد آقاشریفیان، ۱۳۹۲، «فتوت‌نامه معماری، اصول چهارده‌گانه اخلاق حرفه‌ای معماری و شهرسازی»، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، مجله فیروزه اسلام، شماره ۱، ۳۷۴ - ۳۴۷.
۱۰. انصاری، خواجه عبدالله، ۱۳۷۳، شرح منازل السائرین، براساس شرح عبدالرزاق کاشانی، ترجمه علی شیروانی، تهران، الزهراء.
۱۱. _____، ۱۴۰۸ ق، منازل السائرین، لبنان، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۱۲. بهرامی برومند، مرضیه و آفرین ایرانی‌نژاد، ۱۳۹۲، معماری حجاب، الگوی فرهنگی معماری خانه‌های تاریخی کاشان، دومین همایش ملی معماری و شهرسازی اسلامی.
۱۳. جلیلی، تورج، ۱۳۸۸، «ردپای حریم و حجاب در کالبد و روح معماری ایرانی»، همایش ملی زن و معماری، تهران، آموزشکده فنی حرفه‌ای دخترانه سما.
۱۴. حسین‌پور، احسان؛ منصوری، شبنم؛ خدادادی‌لو، معصومه و مرجان مولایی بیرگانی، ۱۳۹۵، «آسیب‌شناسی حریم خانواده در معماری اسلامی - ایرانی»، چهارمین کنگره بین‌المللی عمران، معماری و توسعه شهری. https://www.civilica.com/Paper-ICSAU04_ICSAU04_2514.html
۱۵. حسینی، لیلا، ۱۳۹۰، «اخلاق حرفه‌ای در آموزه‌های اسلامی»، ماهنامه کار و جامعه، شماره ۱۳۶، ۹۱ - ۸۱.
۱۶. خانمحمدی، علی‌اکبر، ۱۳۷۰، «فتوت‌نامه معماران و بنایان»، صفة، دوره دوم، شماره پنجم.

۱۷. خروش، کیخسرو، ۱۳۸۰، رساله آداب‌المشوق منسوب به حضرت استاد میرعمادالحسنی، تهران، مبلغان.
۱۸. خسروی، سیدغلامرضا، ۱۳۸۳، ترجمه و تحقیق مفردات الفاسط قرآن (راغب اصفهانی)، تهران، انتشارات مرتضوی.
۱۹. دامادی، محمد، ۱۳۷۳، الادب و المروءة از صالح بن جناح و مروان بن جناح، با تحقیق در فراز و فرود فتوت و جوانمردی، تصحیح و ترجمه محمد دامادی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۲۰. دهخدا، علی‌اکبر، ۱۳۷۳، لغتنامه دهخدا، تهران، نشر دانشگاه تهران، چ اول.
۲۱. دهشیدی، رضا، ۱۳۹۰، «حجره حجره، همه جا یاد خدا، پژوهش در هنر اصیل معماری اسلامی ایرانی»، فصلنامه فرهنگ پویا، شماره ۱۹، قم.
۲۲. رفعت‌جاه، آریا، ۱۳۹۲، «بررسی نقش حجاب و محرمیت در معماری اسلامی و روز ایران»، کنفرانس بین‌المللی عمران، معماری و توسعه پایدار شهری، تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز. به آدرس: https://www.civilica.com/Paper_ICCAU01_ICCAU01_1346.html
۲۳. شریعتمداری، جعفر، ۱۳۷۲، شرح و تفسیر لغات قرآن (براساس تفسیر نمونه)، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی.
۲۴. شریف‌زاده، سیدعبدالمجید، ۱۳۷۸، «روش‌های سنتی در آموزش هنر»، کتاب ماه هنر، شماره ۱۴ - ۱۳، ۱۷ - ۱۵.
۲۵. شریفی، احمدحسین، ۱۳۸۹، آیین زندگی (اخلاق کاربردی)، قم، معارف.
۲۶. صدوق، محمد بن علی بن بابویه قمی، ۱۴۱۳ ق، من لایحضره الفقیه، ج ۲، تصحیح علی‌اکبر غفاری، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۷. طباطبایی، سیدمحمدحسین، ۱۳۷۶، تفسیرالمیزان، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۸. فرامرز قراملکی، احد، ۱۳۸۵، اخلاق حرفه‌ای، تهران، نشر مجنون.
۲۹. فیزایی، بهمن، ۱۳۸۷، «آموزش در هنرهای سنتی ایران: بررسی سنت‌های آموزشی هنروری در فتوت‌نامه‌ها»، آینه خیال، شماره ۱۱، ۱۳۱ - ۱۲۸.
۳۰. قلیچ‌خانی، حمیدرضا، ۱۳۸۴، «معنویت در سروده‌های سلطان‌علی مشهدی و آسیب‌شناسی

- دانشجویان هنر»، ویراستار فرهاد طاهری، مقالات اولین هم‌اندیشی معنویت و آموزش هنر، تهران، فرهنگستان هنر.
۳۱. کاشانی، کمال‌الدین عبدالرزاق، ۱۳۶۹، *تحفة الاخوان فی خصائص القتیان*، مقدمه و تصحیح محمد دامادی، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۳۲. کاشفی، حسین بن علی، ۱۳۵۰، *فتوت‌نامه سلطانی*، به اهتمام محمدجعفر محجوب، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
۳۳. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۲۹ ق، *اصول کافی*، قم، دارالحدیث.
۳۴. مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ ق، *بحار الأنوار الجامعة لدرر اخبار الأئمة الاطهار*، بیروت، مؤسسه الوفاء.
۳۵. محجوب، محمدجعفر، ۲۰۰۰ م، *آیین جوانمردی یا فتوت*، نیویورک: Bibliotheca Persica Press.
۳۶. محمدی، عیسی، انتشار ۱۳۹۶/۹/۷، «جایگاه گمشده حیا در معماری شهری»، نشریه همشهری محله، www.mahaleh.hamshahrilinks.org
۳۷. مددپور، محمد، ۱۳۹۰، *تجلیات حکمت معنوی در هنر اسلامی*، تهران، شرکت چاپ و نشر بین‌الملل.
۳۸. مصطفوی، حسن، ۱۴۱۶ ق، *التحقیق فی کلمات القرآن‌الکریم*، تهران، نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۳۹. ناظمی، میترا، ۱۳۸۹، «آیین جوانمردی»، *مجله اطلاعات حکمت و معرفت*، سال پنجم، شماره ۱۲، ۲۶ - ۲۰.
۴۰. ندیمی، هادی، ۱۳۷۴، «آیین جوانمردان و طریقت معماران»، *مجموعه مقالات کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ارگ بزم، ج ۲*، تهران، انتشارات میراث فرهنگی.
۴۱. نصرآبادی، میرزا محمدطاهر، ۱۳۶۱، *تذکره نصرآبادی*. به کوشش وحید دستگردی، تهران، فروغی.
۴۲. نقی‌زاده، محمد، انتشار ۱۳۹۴ / ۲ / ۲، *معماری شهر؛ تجلی‌گر ارزش‌های اخلاقی شهروندان*، خبرگزاری ایکننا: <http://iqna.ir/fa/news3190760>
۴۳. هاشمی، آمنه، ۱۳۸۸، «بررسی ویژگی‌های درون‌گرایی متأثر از مفاهیم حجاب قرآنی در معماری با رویکردی بر معماری مسکونی»، *همایش ملی زن و معماری*، تهران، آموزش‌شکده فنی حرفه‌ای دخترانه سما.